پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره نزدهم سال دوم دوشنبه ۶ اسد ۴۸- ۲۸-جولای ۶۹، شماره مسلسل ۷۱

زمور لوړ هدف د خلکو بری دی

د خلکو دپاره خدمت زمور مقدسه وظیفه ده. له همدی کبله که چیری د وظیفی د اجرا کولو په وخت می اشتباه وکړو په ځان باندی به انتقاد وکړو او خپله اشتباه به تصحیح کوو. همدا شان د نورو له انتقاد څخه نه بریږو، که په واقعی ډول زمور په کارونو کی، زمور په عملی سیاسی فعالیتونو کی، زمور په علمی تحلیلاتو کی چه د ټولنی د پیژندلو د پاره یی کوو اشتباهات او نیمګړتیاوی وی سمدستی یی په تصحیح لاس پوری کوو. د هر چا له خوا چه اصولی انتقاد وشی مور یی په نظر کی نیسو که چیری وارد او تصحیح وی د هغو په اساس به د خپلو نیګړتیاو په اصلاح کی هڅه وکړو. مور د هغو پیشنهادونو چه د هیواد له ملی گټو دفاع کوی، د استبداد، ارتجاع او امپریالیزم ضد خصلت ولری ملاتړ کوو او هغو سره به سم عمل کوو.

له هغه ځایه چه مور د عمل بنسټ پرته له توپیره د افغانستان د خلکو د پراخو پرګنو ګټی دی، نو له همدی کبله له هر انتقاد او پیشنهاد سره به چه نکولای شی د افغانستان د خلکو د ارتیا پوره کړی او د ملی آزادی او دموکراسی او زمور د ټولنی په پرمختګ کی مرسته وکړی خپل موافقت څرګند وو. خبره دا ده چه د داخلی ارتجاع، امپریالیستی شبکو، د عظمت طلبانه شوونیزم هواخواهانو د دسیسو په اساس یو شمیر تضمین شوی کرغیړن او نوم بدی، مغتن او نفاق اچوونکی عناصر زمور په ضد لمسول کیږی چه کله په ظاهر کی «د دین او مذهب» په جامه کی، کله د «تـوده‌ای او انقلابـی، ملـی او وطن‌خواه، مترقی او پیشرو، خلقی او دموکرات» تر نامه لاندی د انتقاد او پیشنهاد په ځای په مور باندی تور لګوی او کنځلی کوی. له دی کبله د ملګرو او دوستانو له خوا په پرله پسی ډول په مور باندی اخلاقی فشار اچول کیږی چه باید مور د دغسی مرتجع او مفتنو عناصرو په مقابل کی سخت عکس‌العمل وښیو. خو مونږ هر ځلی دغو ملګرو او دوستانو ته ویلی دی چه د مبارزی د کړی وکیږی لاری په اوږدو کی د ملی او اجتماعی عادلانه مبـارزی د لاری د پیـشاهنګانو او کشافانو په مقابل کی تل دغه شان ناپاکی او مکروبونه، موذی خزندی او بـوین وحـوش موجود وی او د دوی وجود یو بشپړ طبیعی شی دی. دغه شان (اشخاص) په موقتی ډول سر پورته کوی، ځنی خلک غولوی خو بیا د حقیقت په مقابل کی محو کیږی او د تل د پاره ورکیږی.

د افغانستان د خلکو دموکراتیک جریان د پنځه کلن تاریخ په لنډه موده کی ځوځو ځلی په ارتجاعی محافلو پوری مربوط ځوځو نشراتی ارګانونه

(ځلور مخ)

چطور انقلابیگران «چپ»

به اپورتونیزم راست می‌گرایند!

مبارزه انقلابی به خاطر تحول انقلابی جامعه جریانیست بسیار پیچیده، پر از مد و جزر و پیچ و خم ... و مرکب از قطب‌های متضاد مبارزه مانند تعرض و عقب نشینی، نرمش و قاطعیت، مصالحه و سرسختی، جسارت و حزم، شکیب و شتاب ... و غیره و غیره. ولی انقلابیگران و چپ‌نماهایی در درون کشور ما سر بالا کرده‌اند که حتی در هنگام فروکش شدن موج‌های باریک نهضت اعتصابی کارگران و تظاهرات شاگردان کشور چون جوجه نظامیگران مغرور، بدون هدف گیری و بدون ترس از شکست نهضت، فتنه‌گرانه و بچه‌گانه قومانده می‌دادند. این آقایان جریان بغرنج مبارزه انقلابی را با چند «نقل قول» ساده ساخته، وقت و نا وقت شعارهای چپ روانه می‌دادند و با دامن زدن شعله‌های نفاق‌افگنی لجوجانه به سیاست شتاب پافشاری تظاهر و اخلالگری می‌کردند. برای چه؟ برای استقرار هرچه نیرومندتر استبداد کبیر و دیکتاتوری سیاه و سرکوبی نیروهای ترقی‌خواه وطن‌پرست!

خنده‌آور است که این انقلاب سازان وطنی و قهرمانان (!) ضد پارلمتاریزم و ضد آزادی و ضد دموکراسی در چنگال پولیس و محاکم قرار می‌گیرند، عوض این که در آن وقت از خود قهرمانی واقعی نشان دهند و از اصول خود دفاع کنند، بادبان‌های کشتی را به جانب راست می‌کشند و نابهنگام به قطب‌های دیگر مبارزه پناه می‌برند، خود را دموکرات معرفی می‌کنند، بالاخره به قانون اساسی، مبارزه مسالمت‌آمیز و قانونی (چه خوب!) تن در می‌دهند، به رفورمیزم و به اصلاح‌طلبی محض (نه دگرگونی بنیادی!) تسلیم می‌شوند و برای «نجات» خود به شبکه‌های خرابکار ارتجاع داخلی و امپریالیستی و به سیاه‌ترین اورگان نشراتی دلال و ارتجاعی راست و شارلتان که ما بردن نام آن را شرم می‌دانیم، پناه می‌برند و در مبارزه انتخاباتی از سیاه‌ترین عناصر ارتجاعی راست پشتیبانی می‌کنند و کاندیدهای واقعاً ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست را تخریب می‌نمایند و عملاً به مصالحه و سازشکاری غیراصولی به اپورتونیزم و ریویزیونیزم و تسلیم طلبی می‌گرایند و با سیاه‌ترین نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی در تبانی‌اند.

این‌ها در حالی که فریاد می‌کشیدند که «هیچ مصالحه مجاز نیست! باید هرگونه مصالحه و همکاری را با جریانات دیگر ... و هرگونه سیاست مانور را با قاطعیت تمام رد کرد! » ولی اکنون این آقایان دموکرات‌ها به‌طور دسیسه‌آمیز و مضحکی از «مرتجعین ببر کاغذی» التماس می‌نمایند که «چرا همکاران پرچم

(ص ۲)

ببرک کارمل

اتکأ به نیروی ملی عامل عمده

پیرزویست!

بوده‌اند کسانی که در گذشته فعالیت سیاسی را بر اساس نیروی ملی مبتنی نمی‌ساختند و شتابزده می‌گفتند «نمی‌توان امیدوار به رستاخیز ملی شد. نمی‌توان از داخل کشور و اتکأ به نیروی خود قوای استبداد را درهم کوبید، لذا باید از طریق اتکأ به خارج اقدام کرد و انقلاب را وارد کشور ساخت.»

در وضع کنونی، به نحو دیگری نظراتی به این گوش می‌رسد که «بالای دموکراسی قلابی نباید اعتماد کرد! قانون اساسی فریب است! امروز یا فردا دورهٔ اختناق و ترور و استبداد سیاه شروع می‌شود! بنا بر آن باید از همین اکنون از ماورای مرز انرژی و قدرت سیاسی گرفت! و پایگاه اساسی فعالیت را در خارج از کشور ایجاد کرد ...!»

باید گفت که علی‌الوصف ماهیت استبدادی محافل حاکمه کشور و عدم اعتماد به آن‌ها، این نوع طرز تفکر یا ناشی از ضعف روحیه انقلابی و عدم تحمل مبارزه است و یا ناشی از عدم درک وضع خاص سیاسی افغانستان و یا قرینه سازی‌های نادرست تاریخی است.

نباید از نظر دور داشت که شرایط، اشکال و صورت‌های مبارزه در هر کشور در زمان‌های مختلف فرق می‌کند. فعالیت انقلابی در خارج از کشور شکل تحمیلی مبارزه است که اصولاً هوس تقلیدی آن اشتباه بزرگ به شمار می‌رود. امروز کمال آرزوی وطن‌پرستان ایرانی، اندونیزیایی، هسپانوی، پرتگالی، یونانی و غیره، که بنا بر شرایط ترور و اختناق داخلی مجبور به مهاجرت کرده‌اند، عودت به وطن‌های شان است تا مبارزه خود را در داخل کشور در پیوند نزدیک با خلق به‌پیش ببرند و در فضای دموکراتیک به‌صورت قانونی و علنی در نهضت رهایی‌بخش ملی و اجتماعی کشور

(۳ مخ)

بناغلی وزیر مالیه ضمن خطابه بودجوی

خود در ولسی‌جرګه به حقایق تلخی اعتراف کرد

بناغلی محمد انور ضیایی وزیر مالیه در خطابه خود در مورد بودجه سال ۱۳۴۸ مطالبی را راجع به وضع رقت بار اقتصادی و مالی کشور بیان کرد و ضمن آن معترفانه به حقایق سرسخت و تلخی (بدون ذکر علل و ریشه‌های آن‌ها و بدون ارایه پیشنهادات مشخص) در زمینه گردید.

بناغلی وزیر مالیه می‌گوید «نیازمندی‌های روز افزون مملکت به اصطلاحات، تکافوی احتیاجات ضروریه اولیه و جنبش سریع در جهت بلند بردن سطح تولید و بهتر ساختن سویه حیات مردم و از سوی دیگر مشاهده نهضت‌های سریع اقتصادی در ممالک رو به انکشاف حوزه‌های مجاور ما را به‌منظور انکشاف به تعمیر بنای متین اقتصادی و استحکام قوی بنیان مالی مجبور می‌سازد. همه می‌دانیم که به‌مقتضای عصر امروز به قبول حیات ابتدایی و ساده امکان حفظ موفقیت انکشاف میسر نیست.»

آنچه را بناغلی وزیر مالیه در پراگراف بالا گفته است فقط اظهار سادهٔ یک حقیقت است و این به‌هیچ‌وجه کافی نمی‌باشد تا پیشنهادات مشخصی به‌منظور برداشتن گام‌های عملی ارایه نگردد. تا وقتی که طبقات ستمگر در حیات اجتماعی و اقتصادی کشور مسلط باشد دم زدن از اصطلاحات از طرف حکومت لفظاً ارزویی بیش نخواهد بود.

باید دانست که انجام اصطلاحات اقتصادی و اجتماعی مستلزم ایجاد «تغییر بنیادی »در جامعه می‌باشد. مطلوب ما از «تغییر بنیادی» به این معنی است تا سلطه اقتصادی و اجتماعی فیودالی و بورژوازی کمپرادور از جامعه ریشه کن گردد و قدرت و نفوذ اقتصادی و سیاسی نو استعماری امپریالیزم از جامعه برچیده

(ص ۲)

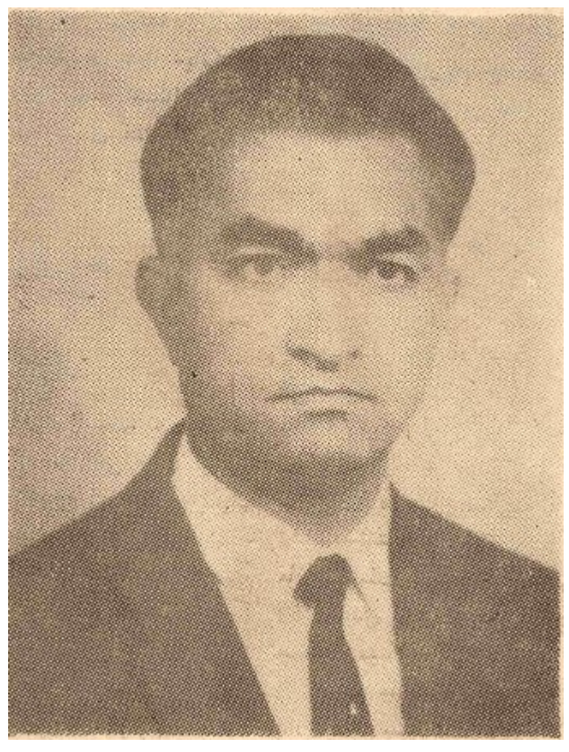
رفیق ارجمند ما میر اکبر خیبر

مدیر مسؤول جدید جریدهٔ پرچم

رفیق محترم ما سلیمان لایق دوره مسؤولیت جریده پرچم را با شهامت و تبعیت آگاهانه از جریان دموکراتیک خلق افغانستان گذشتاند و اکنون کاندید جریان دموکراتیک خلق افغانستان برای ولسی‌جرګه از ولسوالی پلخمری می‌باشند. لذا مقام ذیصلاح ج.د.خ.ا. رفیق ارجمند ما میر اکبر خیبر را به حیث مسؤول جریده پرچم – ناشر اندیشه‌های جریان دموکراتیک خلق افغانستان تعیین و معرفی نمود.

از آن جایی که دشمنان خلق همیشه دشمن شخصیت‌های ترقی‌خواه وطن‌پرست، دشمن فرزان راستین خلق‌اند، فیصله شد تا به غرض معلومات گوشه‌ای از سوانح رفیق ارجمند خود را به نشر بسپاریم.

(هیأت رهبری و تحریر پرچم)



م.ا. خیبر در سال ۱۳۰۴ (هـ. ش) در یک خانواده زحمتکش دهقانی پښتون پا به عرصه وجود گذاشت. وی از کودکی تا بزرگی در آغوش رنج پرورده شد و از نزدیک شاهد استثمار دهقانان زحمتکش و من‌جمله خانواده خودش بود.

م.ا. خیبر از سپری کردن دوره ابتدایی مکتب حربیه به نام احضاریه، بنا بر استعدادی که از خود نشان داد، حق شمول به لیسه حربی را به دست آورد و به تاریخ ۱۳۲۶ از حربی ښوونځی فارغ و به حربی پوهنځی شامل گردید.

م. ا. خیبر در پهلوی آموزش تعلیمات نظامی، علی ارغم موانع و مشکلات به صورت پیوسته به مطالعات اجتماعی و سیاسی می‌پرداخت.

م.ا. خیبر در دوران تحصیل در حربی پوهنځی همیشه پرچمدار نظریات

(ص ۴)

جنبش همبستگی بین‌المللی

با خلق قهرمان ویتنام

۲۰ جولای، روز همبستگی بین‌المللی با ویتنام که در کشورهای مختلف جهان برگزار شد، پشتیبانی و همبستگی نیرومندی را از مبارزهٔ عادلانه خلق ویتنام علیه تجاوزات ایالات متحده امریکا به اثبات می‌رساند.

امسال روز همبستگی با ویتنام در پاسخ درخواست کنفرانس بین‌المللی احزاب کمونیست و کارگری، مطابق به پانزدهمین سالگرد روز امضأ موافقتنامه‌های ژنیو برگزار شد.

به مناسبت روز ویتنام، حزب کمونیست فرانسه اعلان کرده است: امپریالیزم امریکا سرزمین ویتنام را به کانون کشتار و تباهی مبدل کرده باید امریکا از ویتنام خارج شود.

همچنان به تاریخ ۲۱ جولای «ماه عنعنوی دوستی شوروی-ویتنام» در اتحاد شوروی شروع گردید.

وزارت خارجه جمهوری دموکراتیک ویتنام به مناسبت پانزدهمین سالگرد موافقتنامه‌های ژنیو در بارهٔ ویتنام یادداشتی را منتشر ساخت.

در یادداشت گفته می‌شود که ۱۹۵۴ ؤ که به جنگ تجاوزکارانه استعمارگران فرانسوی در ویتنام خاتمه بخشید، حقوق اساسی ملی مردم ویتنام: استقلال، حاکمیت، وحدت و تمامیت ارضی ویتنام را به رسمیت شناخت و پرنسیپ‌های جلوگیری از تجاوز خارجی را علیه خلق ویتنام اساس گذاشت. معهذا ایالات متحده امریکا وعده‌های را که در جلسه اختتامیه کنفرانس ژنیو در سال ۱۹۵۴ به عمل آورده بود شکستانده و حقوق ملی خلق ویتنام را برای پانزده سال پایمال کرد و هنوز هم ادامه می‌دهد.

در یادداشت با رضائیت خاطر اظهار می‌گردد کمک‌های بزرگی که به ویتنام قهرمان توسط کشورهای سوسیالیستی و مردم پیشرو جهان صورت می‌گیرد، یکی از عوامل تعیین کنندهٔ است که موجب پیروزی خلق ویتنام می‌گردد.

در یادداشت گفته می‌شود که خلق ویتنام و حکومت جمهوری دموکراتیک ویتنام سپاسگزاری عمیق خود را از این پشتیبانی اظهار می‌دارند.

در حالی که بیست و ششمین کنفرانس صلح ویتنام در پاریس بدون هیچ‌گونه پیشرفت ادامه دارد، نمایندهٔ حکومت موقت انقلابی ویتنام جنوبی در پاریس اظهار داشت: خلق ویتنام برای آزادی و دموکراسی مبارزه می‌کنند، امریکا باید ویتنام را ترک کند. ما گام‌های به‌سوی صلح می‌گذاریم، امریکا مسؤول جنگ ویتنام است و باید امریکا این جنگ را خاتمه بدهد.

اقدام شجاعانه اندیرا گاندی

صدر اعظم هند

خطاب به اعضای پارلمانی حزب کانگرس در ۲۰ جولای میرمن اندیرا گاندی صدر اعظم هند به حیث رهبر حزب اظهار داشت که باید در برابر وظایف وی موانع ایجاد نگردد تا او قادر به رهبری و اجرای پالیسی‌های حکومت باشد. او یک گام بزرگ، ملی کردن بانک‌ها را اعلام داشت.

میرمن اندیرا گاندی گفت که نظر اساسی در مورد ملی کردن بانک‌های بزرگ اینست که عدالت برای بخش‌های ضعیفتر جامعه تأمین گردد و به‌سوی اهداف سوسیالیستی پیشروی صورت گیرد. وی اظهار داشت که ملی نمودن بانک‌ها گام بزرگی علیه منفعت پرستی است.

دفتر صدر اعظم هند صدها تلگرام به پشتیبانی از تصمیم حکومت آن کشور مبنی بر ملی کردن ۱۴ بانک بزرگ دریافت داشت. این تلگرام‌ها از طرف اتحادیه‌های کارگری، قانونداتان، احزاب مختلف سیاسی، کارکنان بانک‌ها و دیگران مواصلت کرده است که در آن‌ها این تصمیم به حیث یک گام شجاعانه مورد پشتیبانی قرار گرفته است.

ملی نمودن ۱۴ بانک در هند حوادث جدید را بار آورده است و حزب کانگرس مورد تاخت و تاز جناح‌های مختلف واقع شده است.

صدر اعظم هند مواضع خود را تحکیم بخشیده است. ملی کردن بانک‌ها رشد اقتصادی را تسریع می‌نماید و باعث تقویت بخش دولتی می‌شود که موافق با وضع موجود هند می‌باشد. ولی جناح راست حزب کانگرس که ملی کردن بانک‌ها ضد منافع آن‌ها واقع شده مخالفت می‌ورزند. رهبر جناح راستی، دیسای وزیر سابقه مالیه هند می‌باشد که او را اندیرا گاندی از وزارت مالیه برطرف کرد ولی جناح چپ و اپوزیسیون‌ها از این اقدام اندیرا گاندی طرفداری می‌نمایند.

حزب کمونیست هند طی اعلامیهٔ از ملی کردن بانک‌ها در هند طرفداری نموده و آن را لازم می‌داند. حزب به تمام نیروها هشیار باش می‌دهد که متحدانه عمل نمایند و این اولین ضربه ایست به جناح راست و منفعت پرست‌ها. حزب تقاضا می‌نماید درین مرحله باید تمام نیروهای چپ تحت شعارهای معین مطابق به خواست کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان کارزار سیاسی را آغاز کنند.

خویش فعالانه شرکت ورزند.

باید به خاطر داشت با وصف این که وطن‌پرستان کشورهای نامبرده مجبور به مبارزه از خارج کشورهای خویش‌اند، ولی اتکای اساس ایشان را باز هم مبارزات خلق کشورهای شان تشکیل می‌دهد و هرگز در اندیشه این پندار غلط نیستند که انقلاب را از خارج وارد کشورهای خود سازند.

تجربه مبارزات رهایی‌بخش ملی و مترقی مبین این حقیقت است که عالی‌ترین و مؤثرترین سیاست، اتکأ به نیروی ملی (خودی) است. این خلق کشور است که با استفاده از شرایط می‌تواند زنجیرهای استارت را پاره کند و یوغ بردهگی را به دور افگند. قابل توجه است که مطلوب ما از بیان اصل مسلم اتکأ به نیروی خود، تجرید از کشورها و خلق‌های جهان نمی‌باشد. زیرا مبارزه با امپریالیزم بین‌المللی، این دشمن آشتی‌ناپذیر و مشترک ملل و خلق‌های ستمدیده جهان به‌تنهایی صورت گرفته نمی‌تواند. خلق افغانستان درنبرد علیه امپریالیزم تنها نیست. کلیه کشورهای صلح‌دوست و مترقی و نیروهای سوسیالیستی، خلق کارگر کشورهای سرمایه داری و خلق‌های کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین که علیه ارتجاع و امپریالیزم می‌رزمند دوستان خلق افغانستان هستند که ایجاد و توسعه روابط و همکاری نزدیک بین‌المللی با این نیروها کاملاً با مصالح ملی ما مطابقت دارد. با وجود این برای یک لحظه نباید فراموش کرد که اصل اتکأ به نیروی ملی، به نیروی خلق کشور عامل عمده است که می‌تواند ما را به پیروزی رساند. ما بر اساس اتکأ به اصل بیداری، تشکل و اتحاد خلق وطن واحد، مترقی، نوین و پرافتخار می‌توانیم تمام نیروهای ارتجاعی را از میان برداریم.

همچنان در زمینه رشد اقتصادی کشور عناصر امپریالیست پرست و خارجی پرست اظهار نظر می‌نمایند که افغانستان بر اساس اصل اتکأ به خود نمی‌تواند به سطح عالی رشد سریع اقتصاد و فرهنگ نایل آید. لذا باید دروازه‌ها را بر روی سرمایه‌گذاری‌های خارجی کاملاً باز گذاشت ...! باید جداً خاطر نشان ساخت که این نظر مانند نظر اتکأ مطلق سیاسی به خارج کشور نه تنها نادرست است، بلکه در حقیقت افغانستان را دست و پا بسته به کشورهای امپریالیستی تسلیم دادن است که هیچ وطن‌پرست واقعی افغان نمی‌تواند به آن تن در دهد. ولی ما معتقدیم که کمک‌های بدون قید و شرط خارجی که خلت استعماری امپریالیستی و استثماری نداشته باشد

ار (ص اول)

اتکأ به نیروی ملی عامل عمده ...

در امر رشد اقتصادی باشد در امر رشد اقتصادی کشور مفید است، اما به‌هیچ‌وجه نمی‌توان موافقه کرد که افغانستان را به آن متکی ساخت، بلکه باید به نیروی عظیم و خلاق تمام خلق افغانستان اتکأ کرد و برای ایجاد حکومتی سعی و مبارزه کرد که نماینده خلق افغانستان باشد، تا بدین‌وسیله به اتکأ خلق رنجدیده کشور رستاخیز رشد سریع اقتصاد و فرهنگ کشور آغاز گردد و تمام منابع مادی و معنوی افغانستان، ثروت‌های عظیم طبیعی و بشری کشور وسیعاً و به‌صورت ثمربخش به کار انداخته شود.

بنا بر آن بر اساس اصل «اتکأ به نیروی خود »و بر مبنای ایمان تزلزل ناپذیری که به خلق، به ملت و به وطن ما افغانستان محبوب داریم لزوم آن می‌رود تا یکبار دیگر نکات ذیل را در سیاست ملی خویش (چه در جریان مبارزه رهایی‌بخش دموکراتیک ملی و اجتماعی و چه در هنگام پیروزی) برجسته سازیم.

- باید فعالیت انقلابی بر اساس نیروی ملی و متحد خلق افغانستان استوار باشد و هیچگاه نباید اندیشه افغانستان واحد و متحد در تمام فعالیت‌های ما از نظر دور انداخته نشود.

- باید جداً در نظر گرفت که در آخرین تحلیل علی‌الوصف قبول کمک‌های مساعد و بدون قید و شرط خارجی باز هم راه نجات خلق افغانستان تنها بر اصل اتکأ به نیروی خود میسر است.

- باید در نظر داشت که بدون پیروزی نهایی جنبش آزادی بخش دموکراتیک و اجتماعی افغانستان نمی‌توان به عقب‌ماندگی قرون اوسطایی کشور خاتمه داد و به پرنسیپ اصل اتکأ به نیروی خود و به نیروی ملی و متحد خلق افغانستان تحقق بخشید.

- باید این نکته مهم برای جریان ما، برای خلق ما از هم اکنون واضح شود که تنها به پیروزی و قبول اصل اتکأ به خود، کافی نیست.

باید متوجه بود که راه ما در جریان مبارزه عادلانه ما و هم بعد از پیروزی بسیار طولانی، خطیر، سخت، تلخ و پر پیچ و خم است. در سر راه انقلاب ملی و دموکراتیک و اجتماعی کشور ما موانع و مشکلات عظیمی وجود دارد که باید تمام آن را به‌حساب آورد و علیه آن‌ها بدون ترس و با عزم راسخ هشیارانه و سرسختانه به مبارزه پیگیر و اصولی دست زد. نباید امروز مبارزه را علیه مرتجعین داخلی و خارجی ساده گرفت. مرتجعین هرگز به میل خود تسلیم نمی‌شوند، تنها پیوند و اتحاد با تمام خلق کشور است که می‌توان به تمام موانع و مشکلات مسلط شد.

- باید در نظر داشت که اتکأ اساسی ما را، نیروی خلاق ملی ما را (چه در جریان جنبش رهایی بخش ملی و اجتماعی و چه بعد از پیروزی) کارگران، دهقانان و روشنفکران وطن‌پرست و زحمتکش افغانستان تشکیل می‌دهند. این‌ها خلق واقعی وطن هستند، این‌ها سازندگان جامعه نوین افغانستان هستند، این‌ها نیروی فولادین کشورند. هنگامی که این‌ها (توده‌های وسیع خلق) سرنوشت خود را به دست گیرند و از یک مشی سیاسی واقعاً وطن‌پرستانه، دموکراتیک و ملی و واقعاً مترقی و پیشرو پیروی کنند و تیوری علمی را رهنمای عمل خود قرار دهند و در برابر دشواری‌ها از خود مقاومت نشان دهند، دیگر هیچ مشکلی و هیچ نیروی ارتجاعی نخواهد بود که از میان برداشته نشود.

- باید به این اصل علمی توجه داشت که نهضت‌های رهایی‌بخش ملی، دموکراتیک و اجتماعی در مبارزه با مشکلات رشد و تکامل می‌یابد و توأم با صرف عظیم نیرو و فداکاری و قبول فداکاری‌های لازم، به پیروزی می‌رسد. ما نباید هنگام برخورد با دشواری‌ها و پیچ و خم‌های مبارزه و وقوع روزهای سخت اعتماد خود را از دست دهیم و از نیروی خود در داخل کشور مأیوس گردیم و از اصل اتکأ به خلق و نیروی ملی روگردان شویم و روزهای کامیابی و آینده درخشان و راه پر افتخار نبرد عادلانه خود را از نظر بیندازیم و نیروی مقاومت ملی، دلیری و هشیاری را در مرحله مبارزه رهایی‌بخش ملی و اجتماعی از دست دهیم؛ زیرا اتکأ به سازنده تاریخ، اتکأ اساسی به نیروی ملی خلق افغانستان، پیگیری و مداومت در مبارزه، عشق به وطن ما را به پیروزی می‌رساند. هنگامی که توده‌های وسیع خلق افغانستان به پا خیزند، بیدار شوند، متشکل گردند، متحد شوند و پیوند «ما »به آن‌ها تأمین گردد، کوه‌های مشکلات را از میان خواهیم برداشت.

ار (ص اول)

بناغلی وزیر مالیه ...

رو به نزول نهاده است و (۲) در نزول مصارف انکشافی، نزول مدارک خارجی و داخلی هر دو مؤثر بوده و هر دو نوع نزول دلایل واضحی دارند.»

بناغلی وزیر مالیه علت «تقلیل مدارک خارجی را متکی به تصریحات کنفرانس سال ۴۸ تجارت و انکشاف ملل متحد منعقده دهلی جدید» چنین توضیح کرده است «که استفاده از منابع خارجی در ممالک رو به انکشاف متناسب به سهم آن ممالک در تحویل مصارف از منابع داخلی‌شان صورت می‌گیرد» و به حیث یکی از راه‌های چاره، تقلیل مصارف انکشافی را نام برده است که پیوست به آن خود می‌گویند «که در آن صورت (در صورت مصارف انکشافی) معضله ما عدم انکشاف و به عبارهٔ دیگر تنزیل سطح حیات مردم ما خواهد بود، با توجه به این حقیقت که معیار ازدیاد نفوس در مملکت سالانه دو فیصد صورت می‌گیرد و تزئید عاید ملی در سال ۴۶ یکنیم فیصد و در سال‌های دیگر تقریباً برابر با ازدیاد نفوس و یا اندکی بیشتر از آن بوده است، تنقیض در مصارف انکشافی نیز راه چاره نخواهد بود، مخصوصاً در شرایطی که عاید ملی ممالک همجوار سالانه از ۵ الی ۷ فیصد افزایش می‌یابد.»

سپس بناغلی وزیر مالیه چنین نتیجه می‌گیرد «تحلیل تمام جریانات مطالب فوق ما را به این حقیقت می‌رساند که راه سالم و چاره اساسی اتکای بیشتر بر منابع داخلی و ازدیاد سرمایه گزاری از منابع داخلی است.»

گرچه بناغلی ضیایی به شمهٔ از حقایق تلخ اشاره و اعتراف کرده است ولی این اعتراف هم می‌تواند معرف وضع ناگوار اقتصادی، کندی وحشتناک آهنگ رشد اقتصادی کشور باشد.

باید گفت که اعتراف به وضع فوق‌العاده وخیم اقتصادی و رکود مزمن و خطرناک اقتصادی کشور به‌تنهایی کافی نیست و هم به آرزو ولو با حسن نیت باشد نمی‌توان معضلات اقتصادی را حل کرد، چنانکه بناغلی وزیر مالیه در خطابهٔ خود پس از اعتراف به‌کندی رشد اقتصادی کشور و قلت منابع مالی داخلی فقط آرزوی حکومت را ابراز داشته است که باید منابع عواید از داخل انکشاف بیابد و معترف هم گردیده است که «اگر وضع به این منوال ادامه یابد طبیعیست که انکشاف اقتصادی صورت نگرفته و سویه حیات مردم بلند نخواهد رفت، و در صورتی که در ممالک همجوار و مشابه که تقریباً به وضع ما بودند، ارتقأ سطح حیات مردم توسط پروگرام‌های انکشافی همواره در حال تزئید است.»

هنگامی که وضع اقتصادی کشور بنا بر پالیسی‌های اقتصادی نادرست حکومت‌های افغانستان تا سرحدی به رکود و شکست مواجه شده است که حتی خود حکومت ناگزیر است به‌صراحت به آن اعتراف نماید اما مسأله قابل توجه اینست که تنها با اعتراف بدون جستجوی ریشه‌ها و علل و رفع آن‌ها نمی‌توان هیچ کاری را انجام داد. چگونه ممکن است که با حفظ تمام امتیازات و سلطه اقتصادی طبقات حاکمهٔ طفیلی در جامعه و نفوذ استعمار نوین امپریالیزم در اقتصاد ناتوان کشور بازهم منابع عواید داخلی انکشاف بیابد و رشد اقتصادی تأمین گردد.

حکومت بسیار جرئت (!) به خرج داده است که در بودجه سال ۱۳۴۸ در پهلوی افزایش مالیات غیرمستقیم فقط ۴۰۰ ملیون افغانی عواید را از طریق مالیات ارضی پیشنهاد نماید، در حالی که اراضی محدود دهقانان کم زمین باید از پرداخت مالیات معاف و بر اراضی وسیع ملاکین بزرگ

«ص ۳»

از (ص اول)

چطور انقلابیگران ...

خلق و جریان دموکراتیک خلق افغانستان را به زنجیر نمی‌کشند! چرا پرچم خلق را مصادره نمی‌کنند؟

ما این فتنه گری را به آقایان انقلابیگر تبریک می‌گوییم. آن‌ها اسناد مؤثق تاریخی را برای محکومیت ابدی خویش و طرد از جریانات ترقی‌خواه پیشرو و اندیشه‌های کبیر طبقه کارگر به رضائیت خاطر (!) امضأ می‌کنند.

به هر حال باید خاطر نشان ساخت جریان دموکراتیک خلق افغانستان، جریانیست ملی و دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست که مبارزات آشکار آن به اسناد قانون صورت می‌گیرد و به نیروی ملی اتکأ دارد و هرگز شعاری بی‌موقع نمی‌دهد و فعالیت ماجراجویانه نمی‌کند و تا حدود ممکن تناسب درست دیالکتیکی و منطقی بین صورت‌ها و اشکال مختلف مبارزه، بین قطب‌های متضاد مبارزه مانند تعرض و عقب‌نشینی، نرمش و قاطعیت، مصالحه اصولی و سرسختی، جسارت و احتیاط و غیره و غیره را جداً در نظر می‌گیرد و متناسب با اوضاع و احوال سیاسی کشور گام بر می‌دارد، نفاق افگنی، تحریک و تفتین نمی‌کند، به عنعنات پسندیده ملی، به ثقافت، به مقدسات و خصوصیات ملی و افغانی و تاریخ ملی کشور احترام می‌گذارد و چه در چنگال پولیس و یا خارج از آن دلیرانه از اصول خود دفاع می‌نماید. پرچم اندیشه‌های پیشرو عصر، پرچم خلق، پرچم مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیزم را برافراشته نگه می‌دارد.

(آمو)

وظایف مبارزه در مرحله کنونی علیه امپریالیزم

و عمل مشترک احزاب کمونیست و کارگری و تمام نیروهای ضد امپریالیستی

جلسه نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری در لحظه بسیار مهمی از تکامل جهان در مسکو منعقد گردید: در سراسر جهان پروسه‌های نیرومند انقلابی قوت می‌گیرند. سه نیروی قوتمند زمان ما – سیستم جهانی سوسیالیزم، طبقه کارگر بین‌المللی و جنبش آزادی‌بخش ملی در مبارزه ضد امپریالیزم باهم یکجا می‌شوند. امکانات روزافزون پیشرفت بیشتر نیروهای انقلابی و مترقی شاخص مرحلهٔ کنونی می‌باشد. در عین زمان خطرات ناشی از سیاست تجاوزکارانهٔ امپریالیزم رو به افزایش است. گرچه بحران عمومی امپریالیزم عمیق‌تر می‌شود ولی هنوز ملت‌های زیادی را تحت ستم قرار می‌دهند و به‌مثابه یک تهدید دوامدار برای صلح و ترقی اجتماعی باقی می‌باشد.

وضع موجود عمل مشترک کمونیست‌ها و تمام نیروهای ضد امپریالیستی را به‌منظور حد اعظم استفاده از امکانات روزافزون به غرض یک تعرض وسیع‌تر علیه امپریالیزم، علیه نیروهای ارتجاع و جنگ ایجاب می‌نماید.

جلسه وظایف مبرم مبارزه علیه امپریالیزم و پرابلم‌های عمل مشترک کمونیست‌ها و تمام نیروهای دیگر ضد امپریالیستی را مورد بحث قرار داد. شرکت کنندهگان جلسه در نتیجه بحث که روحیه دموکراسی، برابری و انترناسیونالیزم در آن حکمفرما بود راجع به وضع معاصر جهان و وظایف ناشی از آن به نتایج مشترک رسیدند.

بشریت در وضعی وارد آخرین ثلث قرن ما گردیده است که به‌واسطهٔ مدت یک مبارزه تاریخی میان نیروهای مترقی و ارتجاع، میان سوسیالیزم و امپریالیزم مشخص می‌گردد. این تصامیم سراسر جهانی‌ست و تمام ساحات اساسی حیات اجتماعی، اقتصاد، سیاست، ایدیولوژی و فرهنگ را احتوا می‌کند.

جنبش انقلابی جهانی باوجود مشکلات و عقب‌نشینی‌ها در بعضی حصص به تعرض خود ادامه می‌دهد. بااینکه امپریالیزم به تعرض متقابل دست زده ولی نتوانسته است که تناسب عمومی قوا را به نفع خود تغییر دهد. از برکت قوت روزافزون اقتصادی، سیاسی و نظامی و سیاست خارجی اتحاد شوروی و دیگر دول سوسیالیستی؛ از برکت فعالیت‌های پرولتاریای بین‌المللی و تمام مبارزان ضد امپریالیزم؛ از برکت مبارزه به خاطر آزادی ملی؛ و همچنان از برکت جنبش توده‌ای صلح جلوگیری از وقوع یک جنگ جهانی ممکن گردیده است. سوسیالیزم که بر سوم حصه کرهٔ زمین پیروز گردیده در مبارزه جهانی در راه تسخیر دل و جان مردم به مؤفقیت‌های تازهٔ دست یافته است. واقعات دههٔ گذشته گواه است که تشخیص مارکسیست لینینستی کرکتر، مضمون و گرایش‌های عمده دوران معاصر صحیح می‌باشد.

دوران ما دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیزم است. در حال حاضر امکانات واقعی برای حل پرابلم‌های اساسی زمان ما به نفع صلح، دموکراسی و سوسیالیزم و وارد نمودن ضربات جدید به امپریالیزم به وجود آمده است. گرچه، در حالی که سیستم جهانی امپریالیزم قوی‌تر نگردیده، باوجود آن به حیث یک دشمن جدی و خطرناک باقی می‌باشد. قدرت عمده امپریالیستی، ایالات متحده امریکا بیشتر متجاوز گردیده است.

هسته سیاست تجاوزکارانه امپریالیزم را تلاش در راه مورد استفاده قرار دادن همه وسایل به غرض تضعیف موضع سوسیالیزم، مختنق ساختن جنبش آزادی‌بخش ملی، فلج نمودن مبارزه خلق کارگر در کشورهای سرمایه‌داری و جلوگیری از زوال غیرقابل بازگشت نظام سرمایه‌داری می‌باشد.

تضاد اساسی بین امپریالیزم و سوسیالیزم که به مقیاس جهانی می‌باشد، عمیق‌تر می‌گردد. در شرایط که مبارزه بین این دو سیستم جهانی حاد می‌گردد، نیروهای سرمایه داری باوجود تضادهایی که میان خود دارند و آن‌ها را از یکدیگر جدا می‌نماید تلاش می‌ورزند مساعی‌شان را به‌منظور حفظ و تقویه سیستم استثمار و ستم و به دست آوردن مواضع از دست رفته باهم متحد کنند. امپریالیزم ایالات متحدهٔ امریکا سعی می‌کند نفوذ خود را بر دیگر کشورهای سرمایه‌داری حفظ کند و در عرصه‌های عمده مبارزه طبقاتی از سیاست مشترکی با آن‌ها پیروی کند.

لبهٔ تیغ استراتیژی تجاوزکارانهٔ امپریالیزم بازهم در درجه اول و پیش از همه بر ضد کشورهای سوسیالیستی متوجه می‌باشد. امپریالیزم از مبارزه مسلحانه آشکار بر ضد سوسیالیزم دست بردار نشده است. مسابقه تسلیحاتی را پیوسته شدن می‌بخشد و سعی می‌نماید دسته‌بندی‌های نظامی‌ای را که به‌منظور تجاوز بر ضد اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی وسعت می‌بخشد و کوشش می‌کند جلو رشد اقتصادی آن‌ها را بگیرد.

امپریالیزم در فعالیت‌های خود بر ضد جنبش طبقهٔ کارگر حقوق و آزادی‌های دموکراتیک را پایمال می‌کند و از تشدد برهنه، شیوه‌های وحشیانه تعقیب پولیسی و قوانین ضد کارگری استفاده می‌نماید. علاوه بر آن، به عوامفریبی، ریفورمیزم بورژوایی، ایدیولوژی و سیاست اپورچونیستی متوسل می‌گردد و پیوسته سعی می‌ورزد که شیوه‌های جدید تخریب جنبش طبقهٔ کارگر را از داخل آن جستجو کند و آن را با سیستم سرمایه‌داری «یکجا »سازد.

دفاعیه مدلل و قانونی محمد سلیم کارگر



محمد سلیم کارگر جوان و آگاه فابریک نساجی پلخمری (به جرم) اشتراک در اعتصابات و تظاهرات قانونی و مسالمت آمیز کارگران نساجی، در جریان نهضت اعتصابی کارگری کشور در سال گذشته، از طرف محکمه ابتداییه «امنیت عامه» ولایت بغلان به یک سال حبس محکوم گردیده بود. در اثر مرافعه خواهی وی محکمه استیناف مدت حبس او را به شش ماه تقلیل داد و سپس محکمه تمیز مأمورین و امنیت عامه نیز این مدت را با وصف دلایل قانونی «متهم» تأیید نمود که اینک به‌منظور رد اتهامات و روشن شدن حقایق دفاعیه محمد سلیم کارگر را به نشر می‌سپاریم.

ع، ص، ف، رییس صاحب و اعضاً محترم محکمه امنیت عامه ولایت بغلان

محمد سلیم میخانیک نساجی دفاعیه خود را به مقابل دعوی څارنوال پلخمری ذیلاً تقدیم می‌دارد.

اگر چه دعوی مدعی از ابتدأ الی اخیر از نظریات میان تهی و دور از واقعیت هیئت مستنطق الهام گرفته و در واقع هیچ مبنای برای ایجاد فضای مختنق‌تر در جهت تأمین منافع غیرقانونی سهم داران بزرگ نساجی پلخمری خاصتاً (بشاغلی زابلی) با چیدن الفاظ و کلمات مبهم ترتیب و تنظیم گردیده که محاکم مربوطه نظر به صلاحیت قانونی خود این گونه دعاوی را که مبین یک عمل معین و مشخص جرمی نباشد باید قطعاً نشنود. با آن‌هم برای این که همین دعوی بی‌سر و پا بی‌جواب نمانده باشد به رد آن چنین می‌پردازیم.

در مجموع دعوی یک حالت جرمی به‌صورت قطع بیان نشده و کوشش به عمل آمده تا به جمله بندی‌های فریبنده موضوعی را توصیف نمایند که متن جرمی داشته باشد. بازهم به‌جز این که فهمیده شود کارگران فابریکه نساجی پلخمری برای احقاق حقوق اجتماعاتی نموده‌اند مفهوم دیگری در دعوی نهفته نیست. حال ببینیم که عمل کارگران قانوناً مجاز بوده یا نه، مادهٔ (۳۲) قانون اساسی تصریح می‌نماید (اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز بدون حمل سلاح مطابق به احکام قانون و بدون اجازه قبلی دولت اجتماع نمایند.) و در عمل هم تظاهرات و اجتماعات کارگران و شاگردان در سال (۱۳۴۷) و مظاهرات و اجتماعات ۲۴ روزه پوهنتون و شاگردان معارف در کابل و اکثر ولایات کشور متکی به همین ال انکار ناپذیر دموکراتیک قانون اساسی بود.

محرک اصلی مظاهره کارگران هم که زاییده مناسبات غیرعادلانه موجود در کشور اند عبارت از شرایط بد کار، عدم مصئونیت، قلت دستمزد و صدها دستبرد غیرانسانی فابریکه نساجی پلخمری که باوجود مطالبات پیهم قانونی کارگران برای تغییر این وضع ناگوار کوچکترین اقدامی صورت نگرفته هرچند دستگاه نساجی ظاهراً به مطالبات قانونی کارگران گردن نهاد و به حقوق مشروع ایشان در نظر اعتراف نمودند تا توطیه‌های جدیدی را علیه کارگران به راه اندازند.

چنانچه عده‌یی از کارگران شریف و زحمتکش و مأمورین نجیب فابریکه علی‌رغم نص صریح ماده (۳۷) قانون اساسی که می‌گوید (کار حق و فریضه هر افغان است که قدرت اجرای آن را داشته باشد) هدف عمده قوانین که برای تنظیم کار وضع می‌گردد رسیدن به مرحله‌یی است که در آن حقوق و منافع اصناف کارگران حمایت شود، شرایط کار مساعد کار فراهم گردد و روابط بین کارگران و کارفرمایان به‌صورت عادلانه و مترقی تنظیم گردد. شاهد قوی ادعای من و افشای دسایس صاحبان زور و زر به شمار می‌رود. از این که دستگاه نساجی تمام تعهدات خود را نقض و به ائتلاف حقوق کارگران بیش از پیش ظالمانه‌تر پرداخته، کارگران نیز برای حل این مسأله عمومی حیاتی خود به اعتراضات قانونی توسل جسته عرایض متعددی به تلگراف (۲۳) ۱۳-۴۷-۳ به ولسی‌جرگه، عریضه به ریاست نساجی متن آن به شمارهٔ (۱۳) جریده پرچم و غیره مقامات ذیصلاح تقدیم و از توطیه‌های جدید کارفرمایان دستگاه نساجی حتی قبل از مظاهره ۱۵ عقرب به جراید ملی نیز اطلاع داده شده که به جریده افغان ملت، ترجمان و جریده شماره ۲۳- ۷-۳-۴۷ پرچم آن را منعکس نموده‌اند. البته تمام حرکات کارگران داخل نظم، دسپلین، انضباط و مسالمت‌آمیز بدون حمل سلاح بود که ادعای (مشوش ساختن ذهنیت) (تحریک) و یا (خلاف مقررات) بالای آن شده نمی‌تواند ولی با جرئت باید بگویم که با منافع عده قلیل استثمارگران منفعت جو و طفیلی تضاد داشت نه با منافع صنفی کارگران و اکثریت مردم کشور عزیز ما افغانستان. با این همه حقایق روشن، مستند قانونی که در بالا تذکری از آن رفت آیا جای تعجب و تأسف نیست که مأمورین مربوطه دوسیه را به همکاری متنفذین ستمگر فابریکه علیه من ساخته و پرداخته و به این وسیله قانون اساسی، اصولنامه کار و کارگر و سایر قوانین مملکتی را نقض و پامال نموده‌اند. بدون شک این همه قانون شکنی‌ها مؤید این واقعیت سرسخت است که دستگاه نساجی و حامیان منافع آزمندانه آنان دست به هم داده بدون اندکترین اعتنایی به قانون و عدالت حقوق حقه کارگران از آن جمله حقوق مرا زیر پا نموده برای ادامه هرچه بیشتر استثمار ظالمانه دست به دوسیه سازی و غیره زده‌اند و می‌زنند. من با حفظ احترام به قانون اساسی و سایر قوانین که داشته و دارم از محکمه محترم تقاضا می‌کنم تا به روی حق و عدالت حکم خود را مبنی بر عدم سمع دعوی مدعی اصدار فرمایند.

مورخه ۱۳۴۷-۱۰

رییس صاحب و اعضای محترم دیوان حقوق عامه استیناف عالی مرکزی!

محمد سلیم میخانیک شرکت نساجی پلخمری اعتراض خود را بر فیصله نمبر ۲۲-۴۲ مورخه ۴۷-۱۰-۹ محکمه ابتداییه حقوق عامه بغلان دیوی څارنوالی در محکمه ابتداییه به استناد مواد مصرح قانون اساسی که حتی از طرف خود محکمه نیز تأیید گردیده بود دقت شود اجتماعات کارگران سراسر قانونی و برای احقاق حقوق‌شان صورت گرفته و به‌صورت قطع در آن نمی‌توان حالت جرمی را سراغ نمود. مگر با آن هم محکمه مخالف نصوص قوانین مملکتی و بدون در نظر گرفتن حفظ و احترام حقوق سایر کارگران و خاصتاً این‌جانب که بدون موجب مدتی دچار سرگردانی گردیده‌ام مرا محکوم به یک سال حبس نموده که دلایل رد حکم محکمه را به‌قرار آتی به عرض می‌رسانم:

۱- محکمه محترمه در فیصله نمبر ۷۶-۲۴- مورخه ۴۷-۱۰-۹ به وضاحت تأیید می‌کند که «همانا به روی احکام مواد فوق‌الذکر قانون اساسی جزء ماده (۳۲) امنیت عامه قابل تطبیق دیده نمی‌شود »که به این ترتیب مطالبه څارنوالی از طرف محکمه به‌کلی رد گردیده و لازم بود که حکم به برائتم اصدار می‌نمودند ولی بر عکس خلاف عدالت و قانون محکوم به جزا شده‌ام.

۲- محکمه در فیصله نمبر ۷۶-۴۲ مورخه ۴۷-۱۰-۹ خود می‌نویسد «ازین که یک مرتبه علاقهٔ محمد سلیم مدعی علیه مذکور از وظیفه‌اش قطع گردیده برایش مجاز نبوده که بار ثانی همراه ملازمین و کارگران فابریکه نساجی به مظاهره پرداخته و کارگران مذکور را تحریک به مظاهره می‌نمود »و از همین جاست که محکمه بدون در نظر گرفتن حق قانون، بازی با الفاظ را شروع نموده است. به این معنی که بازهم نبض قضیه را همانا اجتماعات و مظاهرات کارگران تشکیل می‌دهد. وقتی بنا به‌صراحت قانون اساسی اجتماع اتباع افغانستان بدون حمل سلاح مجاز و حق مردم افغانستان باشد تحریک به آن نتنها جرم نیست بلکه عملی‌ست قانونی و مجاز، چه من داخل کار در فابریکه باشم و چه نباشم و از این که محکمه آن را غیرمجاز می‌داند حرفی‌ست پوچ و بدون ارایه قانون.

۳- محکمه در فیصله نمبر ۷۶-۴۲ مورخه ۴۷-۱۰-۹ خود می‌افزاید (و ازین عمل مذکور نه تنها طبق محتوایات اوراق و ادعای څارنوالی ولایت مبلغ دولک افغانی خساره به موسسه مذکوره عاید گردیده بلکه موجب تشویش و سرگردانی مأمورین موظف و باعث شوخ چشمی و بی‌اطاعتی کارگران مذکور گردیده.) عمال فابریکه دار بزرگ نساجی که برای به دست آوردن امتیازات ناچیزی به گرده صدها کارگر و هزاران نفر از مردم ما فشار آورده و می‌آورند بسیار دم از خساره دو لک افغانی فابریکه می‌زنند و بی‌شرمانه اعتراف می‌کنند که فابریکه تا حال روزانه دولک افغانی از حاصل دسترنج کارگرانی را که در بدترین و ابتدایی‌ترین شرایط زندگی و بدون جزیی‌ترین احساس مصونیت به سر می‌برند مفت و رایگان به جیب زده و بعد از این هم برای ادامه استثمار ظالمانه خود حاضر نیست به اعتراض قانونی و مشروع آن‌ها گوش بدهد بلکه برعکس توطیه می‌کند، دوسیه می‌سازد و بیچاره‌گان را محکوم به اخراج و زندان می‌سازد.

اکنون می‌توانیم بپرسیم آقایانی که مدعی خساره دولک افغانی نساجی پلخمری اند می‌توانند یک حساب دقیق و انسانی را ارایه بدهند که واقعاً محصول کار سودجویان باشد؟ باوجود این همه مواد مستند کارگران قطعاً کاری نکرده‌اند که با قوانین موجود در مملکت مخالفت داشته باشد. من همیشه با قانون اساسی و سایر قوانین مملکت احترام داشته و دارم.

۴- محکمه اخیراً در فیصله نمبر ۴۲-۱۳۴۷-۱۰-۹-۷۶ خود می‌نویسد «مدعی علیه مذکور از مسئولیت بری شده نمی‌تواند. طبق ماده (۸۳) فصل دوم جنایات مربوط به اخلال وظیفه ... به مدت یک سال محبوس گردد »ماده (۸۳) چنین حکم‌فرماست «اگر سه نفر از مأمورین دولت و یا زیاده از آن وظیفه خود را ولو به‌صورت استعفا باشد به‌اتفاق همدیگر و یا به‌قصد نیل یک مرام مشترک ترک گویند و یا تحت همین شرایط آزادی وجیبه‌یی از واجبات وظیفه خود استنکاف ورزند... الخ »که به ملاحظه آن می‌توان به‌جرئت گفت:

الف) حکم این ماده قانون بعد از انفاذ قانون اساسی مخصوصاً آن جایی که (کار حق اتباع افغانستان) خوانده شده و انصراف از حق خود موجب الزام نمی‌گردد ملغی قرار گرفته است.

ب) به فرض محال که حکم ماده فوق مدار حکم باشد در موضوع مورد بحث قابل تطبیق نیست زیرا در هیچ جای این قضیه استعفای من و یا کارگران مطرح نشده بلکه نساجی پلخمری، من و عده از کارگران را برای تأمین منافع هرچه بیشتر پولداران بزرگ خیلی ظالمانه از کار اخراج نموده، نه این که ما استعفا نموده باشیم. جای تعجب است که محکمه عوض این که عمل نساجی را جرم بداند بالعکس عمل قانونی کارگران را جرم تلقی می‌کند.

ج) حکم محکمه مخالف نص ماده (۲۷۳) اصولنامه جزایی است که می‌گوید «قاضی در دعوی بر حسب عقیده‌ای که بر اساس دلایل نزد او پیدا می‌شود به کمال آزادی اصدار حکم می‌نماید ولی با آن‌هم نمی‌تواند حکم خود را به دلیل که پیش او مطرح نشده باشد بنا نماید »یعنی استعفا کارگران چه در نظریات هیأت و چه در دعوی مدعی بر محکمه مطرح نگردیده ولی حکم محکمه به آن بنا یافته است که حکم غیرقانونی محکمه قابل انفاذ نمی‌باشد.

د) ماده (۲۹۸) اصولنامه اجراأت جزایی که می‌نویسد «عدم مراعات احکام قانون در مورد اجراأت اساسی موجب بطلان آنست »و از این که مطابق به استدلال بند (ج) دفاعیه‌ام محکمه قانون را مراعات ننموده حکم آن باطل می‌باشد.

ه) بی‌پایگی و بی‌مایگی فیصله نمبر ۴۲ مورخه ۴۷-۱۰-۹ محکمه ازین جا شروع می‌شود که محکمه فرق بین کارگر و مأمور و فرق بین شرکت و مؤسسات دولتی را کرده نتوانسته و شرکت نساجی پلخمری را که شرکت شخصی چند نفر سرمایه‌دار استثمارگر می‌باشد موسسه دولتی دانسته، کارگران و موظفین فابریکه را مأمورین دولت فرض کرده، ناشیانه حکم خود را به ماده (۸۳) مستند ساخته و فیصله صادر نموده است.

بناً از محکمه محترم استیناف می‌خواهم که فیصله صادره محکمه دیوان امنیت عامه ولایت بغلان را ملغی نموده و حکم به برائت من صدر نماید.

«از ص ۲»

بشاغلی وزیر مالیه ...

مالیات مترقی وضع می‌گردید، چه این مبلغ در برابر عواید بسیار بزرگ ملاکین فیودال که طبقه مسلط در جامعه ماست، فوق‌العاده ناچیز می‌باشد. بر اساس احصاییه‌های رسمی حکومت مجموع اراضی قابل زرع که در حدود ۱۴/۰۰۰/۰۰۰ هکتار و یا ۷۰/۰۰۰/۰۰۰ جریب می‌شود، این مبلغ مالیه جدید پیشنهاد شده فقط بر اساس فی جریب ۵/۷ افغانی می‌رسد. ولی این مورد را هیچ عقل سلیم پذیرفته نمی‌تواند که به‌طور مثال یک دهقان کم زمین که بیش از ده جریب زمین ندارد اگر عاید فی جریب زمین را در سال تقریباً ۷۰۰- افغانی در نظر بگیریم، از مجموع عواید خود که ۷۰۰۰- افغانی می‌شود ۰/۸ فیصد آن را مالیه بپردازد و حد اوسط یکی از اربابان فیودال نیز که ۱۰ هزار جریب زمین دارد و مجموع عواید آن از این مقدار زمین که ۷/۰۰۰/۰۰۰- افغانی می‌شود باز هم ۰/۸ فیصد آن را مالیه بدهد. مسأله مالیت ارضی در افغانستان خیلی شرم آور و صریحاً مغایر با عدالت اجتماعی است.

چه بر طبق گفته بشاغلی وزیر مالیه مقدار مالیه ارضی از سال ۱۲۹۹ به این‌طرف به همان معیار اولی که عبارت از تسعیر نرخ غله بر اساس فی سیر یک افغانی باشد، باقی مانده است، در حالی که در ظرف این پنجاه سال از آن تاریخ تاکنون نرخ غله کم از کم ۵۰ مرتبه افزایش یافته است. به اندکی توجه می‌توان دریافت که ملاکین بزرگ فقط از ناحیه عدم پرداخت مالیات ارضی چه منافع سرشاری که نبرده‌اند. پس در چنین وضعی که حکومت‌های افغانستان نمی‌خواهند و قدرت آن را ندارند «خاطر مبارک» طبقات صاحب امتیاز جامعه را از خود آزرده سازند، چطور می‌توان عواید از مدارک داخلی را افزایش داد. هرگاه حکومت‌های افغانستان حداقل منافع ملی و مصالح عالیهٔ خلق کشور را در نظر می‌گرفتند و جرئت انجام عمل قاطع علیه طبقات و عناصر مفتخوار و غارتگر جامعه اعم از اربابان فیودال، سودخواران، قاچاقبران، تاجران دلال و عمال انحصارات امپریالیستی را می‌داشتند امکانات وسیعی برای تأمین و بسط منابع جدید کشانیده است. ولی تناسب قواء در جهان و نیروی بالقوه هستوی اتحاد شوروی و خوف از عواقب ممکن یک جنگ راکتی زروی دست زدن به یک جنگ جهانی دیگر را بیش از پیش دشوار و خطرناک می‌سازد.

از آن رو محافل حاکمه ایالات متحده امریکا بدون این که از آمادگی برای یک جنگ بزرگ دست بردارند بر سر جنگ‌های محلی اصرار می‌ورزند.

ولی تضاد بین «سیاست زور » امپریالیستی و امکانات واقعی که امپریالیزم در دست دارد بیش از پیش آشکار می‌گردد. نه امپریالیزم می‌تواند ابتکار از دست – رفته تاریخی خود را بار دیگر به دست آورد و نه می‌تواند رشد جهانی را به عقب برگرداند. این سیستم جهانی سوسیالیزم، طبقه کارگر بین‌المللی و تمام نیروهای انقلابیست که سمت عمده رشد و تکامل بشریت را تعیین می‌نماید.

جنگ ویتنام قانع کننده‌ترین ثبوت تضاد بین پلان‌های تجاوزکارانه امپریالیزم و قدرت آن در اجرای این پلان‌ها می‌باشد. این که امپریالیزم ایالات متحده به مشابه نیرومندترین نیروی امپریالیستی جهان در ویتنام شکست می‌خورد اهمیت تاریخی دارد.

مداخله مسلحانه در ویتنام مقام خاصی در نقشه‌های نظامی و سیاسی امپریالیزم امریکا دارد. پلان تجاوزکار این بود که یک جبهه سوسیالیزم را در آسیا تخریب کند، راه مردم جنوب شرق آسیا را به‌سوی آزادی و ترقی مسدود نماید و جنبش آزادی‌بخش ملی را ضربه زند و قدرت همبستگی پرولتری کشورهای سوسیالیستی و خلق کارگر تمام جهان را بیازماید. ولی باوجود این که امپریالیزم ایالات متحده امریکا مقدار عظیمی از انواع مختلف اسلحه را به کار انداخته است با آن‌هم مجبور گردید بمباری بر جمهوری دموکراتیک ویتنام را بدون قید و شرط قطع نماید و نماینده‌گان خود را جهت مذاکره با نماینده‌گان جمهوری دموکراتیک ویتنام و جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی بالای میز مذاکره بنشاند.

قهرمانی بی‌نظیر خلق ویتنام، سیاست دوراندیشانه جمهوریت دموکراتیک ویتنام و جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی، اشکال مختلف امداد کشورهای سوسیالیستی به‌خصوص و اتحاد شوروی به خلق ویتنام و همبستگی رزمجویانه و روزافزون بین‌المللی در سراسر جهان از جمله در خود ایالات متحده باعث این شکست امپریالیزم گردیده است.

مداخله جنایتکارانه در ویتنام ایالات متحده امریکا را تا اندازه قابل ملاحظهٔ از نظر اخلاقی و سیاسی تجرید نموده است. توده‌های وسیع‌تر مردم، قشرهای جدید اجتماعی و نیروهای سیاسی بیشتری را در ضدیت با امپریالیزم قرار داده و در بسیاری کشورها اشتراک میلیون‌ها نفر مردم جوان را در مبارزه ضد امپریالیزم تسریع کرده است.

«باقی دارد»

امپریالیزم در مبارزه بر ضد جنبش آزادی‌بخش ملی از یک طرف با سرسختی از بقایای سیستم استعماری دفاع می‌کند و از طرف دیگر در تلاش به خاطر مانع شدن از پیشرفت اقتصادی و اجتماعی دولت‌های در حال رشد، کشورهای که حاکمیت ملی‌شان را به دست آورده‌اند از شیوه‌های استعمار نو کار می‌گیرند. بدین منظور از محافل ارتجاعی پشتیبانی می‌کنند، از بین رفتن عقب‌مانده‌ترین ساختمان‌های اجتماعی را به تعویق می‌اندازند و سعی می‌کنند تا در راه ترقی این کشورها از طریق سوسیالیزم یا راه رشد غیر سرمایه‌داری که راه را برای سوسیالیزم باز می‌کند موانع ایجاد نماید. امپریالیست‌ها بر این کشورها موافقت‌نامه‌های اقتصادی و پیمان‌های نظامی و سیاسی‌ای را تحمیل می‌کنند که حاکمیت شان را تحدید می‌نماید. آن‌ها این کشورها را از طریق دور سرمایه، قراردادهای نابرابر تجارتی، سؤاستفاده از قیم، نرخ‌های تبادله، قروض و اشکال مختلف به‌اصطلاح کمک، واردکردن فشار از طریق مؤسسات مالی بین‌المللی استثمار می‌نماید.

فاصله بین دولت‌های سرمایه‌داری که به‌سویهٔ عالی رشد خود رسیده‌اند و اکثریت دیگر کشورهای سرمایه‌داری روز تا روز بیشتر می‌گردد؛ گرسنگی پرابلم حاد عدهٔ از کشورهای اخیرالذکر را تشکیل می‌دهد.

امپریالیزم اصطلاک را در کشورهای در حال رشد تحریک می‌نماید و از طریق تشویق ناسیونالیزم ارتجاعی بین آن‌ها تخم نفاق کشت می‌کند؛ و کوشش می‌کند در این کشورها از طریق انتی کمونیزم در صفوف انقلابیون رخنه ایجاد کند و آن‌ها را از بهترین دوستان‌شان – دولت‌های سوسیالیستی و جنبش انقلابی طبقه کارگر در کشورهای سرمایه‌داری تجرید نماید.

امپریالیزم از طریق دسته‌بندی‌های نظامی سیاسی و پایگاه‌های نظامی در کشورهای خارجی، فشار اقتصادی و بلوکادها (محاصره) های تجارتی تشنج را در بعضی حصص جهان نگه‌می‌دارد. به سازمان‌های ارتجاعی کمک‌های مالی و سیاسی می‌نماید و ستم سیاسی را تشدید می‌کند به‌خصوص در جاهایی که مبارزه حادترین اشکال را به خود می‌گیرد و در جاهایی که نیروهای انقلابی اسلحه در دست بر ضد دسایس ضد انقلابی، کشورهای ارتجاعی و فاشیستی تفتین و تهدید می‌جنگند به مداخله مسلحانه و اختناق وحشیانه متوسل می‌گردد.

در برابر تقویه مواضع بین‌المللی سوسیالیزم، امپریالیزم تلاش می‌نماید وحدت سیستم جهانی سوسیالیستی را تضعیف کند و از اختلافات موجود در جنبش انقلابی بین‌المللی به‌منظور ایجاد رخنه در صفوف آن استفاده نماید. افزار ایدیولوژیکی خود را به شمول وسایل کتلوی در خدمت انتی کمونیزم و مبارزهٔ آن بر ضد سوسیالیزم و بر ضد تمام نیروهای مترقی قرار می‌دهد.

در همین چند سال گذشته امپریالیزم چندین بار بحرانات حاد بین‌المللی را تحریک نمود که بشریت را تا لب پرتگاه یک تصادم زروی هسته‌یی کشانیده بود. بشریت با نگرانی شاهد بحران‌های کنگو، لاوس، کوبا، کوریا، ویتنام، شرق میانه، قبرس و غیره بود. چون حکومت موجود مانند حکومت‌های گذشته ماهیتاً قادر و آماده برای اجرای اصلاحات عمیق دموکراتیک ارضی و دگر اصلاحات اقتصادی و اجتماعی به نفع مردم نمی‌باشند، بنا بر آن طبیعی است که بر طبق گفته بشاغلی وزیر مالیه «محدودیت منابع عاید اصلی مملکت در گذشته و حال مانع آن بوده است که انکشاف به پیمانهٔ مطلوب صورت گیرد» و حکومت ناگزیر به اعتراف باشد که «ادامه وضع به این‌ترتیب که ما نمی‌توانیم حتی بودجه عادی مملکت را با استرداد قروض آن از منابع داخلی عواید تأمین کنیم و بودجه انکشافی را کاملاً به قروض امداد خارجی متکی داشته باشیم، به‌کلی یک حقیقت تلخ و غیرقابل تحمل است.»

س.ک

عبرت باد انقلابی پرچم سایه دار ما بر زمین خدا باد

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند ارګان خپرونکی

۶ اسد ۱۳۴۸

خلق‌های مبارز عرب

به مبارزات عادلانه خود ادامه می‌دهند

در هفته گذشته بازهم در سواحل کانال سویز آتشباری شدید بین جمهوریت عربی متحد و اسراییل و همچنان در سواحل دریای اردن بین واحدهای اردن و اسراییلی صورت گرفت که در اثر آن چندین عسکر اسراییلی و اردنی کشته شدند. ۱۹ طیاره اسراییلی توسط واحدهای ضد هوایی جمهوریت متحد عربی سقوط داده شد.

با تشدید جنگ در سواحل کانال سویز و جنگ‌های خونین چند روزه که آغاز شده باعث نگرانی شدید محافل صلح پسند جهان شده است. در پورت توفیق و پورت سعید جنگ‌های خونینی آغاز گردیده است.

موشی دایان قومندان جنگ گذشته اعراب و اسراییل بار دیگر به عساکر اسراییل فرمان آماده‌باش داده است.

کابینه جمهوریت عربی متحد حوادث اخیر را مورد مطالعه قرار دادند و اعلان گردید که به حملات اسراییل جواب شدید داده خواهد شد. نمایندهٔ جمهوریت عربی متحد در ملل متحد حملات اخیر اسراییل را به اوتانت اطلاع داده است. اوتانت گفته اگر جلو حملات اسراییل گرفته نشود جنگ دیگری در شرق میانه آغاز خواهد یافت.

رییس جمهور امریکا ریچارد نکسن از صدراعظم اسراییل گولدا ماهر دعوت نمود تا به امریکا مسافرت دوستانه نماید. قرار است به تاریخ ۲۵ سپتمبر صدراعظم اسراییل وارد امریکا شود.

نطاق موسسه الفتح اعلان کرد که اخیراً از طرف مبارزین این موسسه تلفات انسانی و خسارات بزرگ مالی بر متجاوزین اسراییل وارد گردیده است. یک عده پارتیزان‌های عربی در هفته گذشته در یک حمله شجاعانه به یک مرکز نظامی اسراییلی، تعداد زیاد عساکر اسراییلی را مقتول و خسارات بزرگ مالی را بر اشغالگران وارد نمودند.

در ۹ نبرد خونین که مبارزین عربی با قوای اشغالی اسراییل نموده‌اند، ۱۷ عسکر اسراییل را کشته‌اند. مبارزین ۶ همرزم خود را از دست دادند. پارتیزان‌ها یک موتر نظامی اسراییل و چند مرکز مخابره آن را منفجر ساختند.

روز ملی پولند

۲۵ سال قبل کمیتهٔ نجات ملی پولند در یگانه شهر آزاد شدهٔ به نام چیلم به تاریخ ۲۴ جولای ۱۹۴۴ اعلامیه نخستین حکومت خلق کارگر پولند را نشر نمود.

خطوط اساسی این اعلامیه قرار ذیل بود: به وجود آوردن حکومت خلق به اتحاد و دوستی دایمی با اتحاد شوروی به حیث اساس سیاست خارجی کشور، وحدت مجدد حصص غربی در یک دولت واحد پولند، تضمین آزادی‌های دموکراتیک، اجرای اصلاحات ارضی و غیره.

مردم پولند که تحت رژیم بیست ساله سرمایه‌داران و ملاکان مرارت‌های استثمار و استبداد را چشیده و استقلال خود را از دست داده بودند تصمیم گرفتند که بعد از آزادی کردن کشورشان از تسلط فاشیست‌های آلمان به اساس اعلامیه فوق راه دیگری در پیش گیرند.

در مدت ۲۵ سالی که از نظام جدید می‌گذرد مردم پولند به پیشرفت‌های بزرگی در ساحات مختلف حیات اجتماعی نایل گردیده‌اند. بیش از هفت‌صد مؤسسهٔ بزرگ صنعتی در کشور ساخته شد. فابریکات سابق ترمیم، عصری و توسعه داده شدند. پولند در این مدت از یک کشور زراعتی به یک کشور صنعتی مبدل شد. امروز تولیدات یک ماهه پولند بیش از تولیدات یک ساله در تحت نظام سابق سرمایه‌داری می‌باشد. پولند در بسیاری از شعب صنایع مقام دهم را در جهان دارد. در حال حاضر پولند از ۲ تا ۲/۵ فیصد تولیدات صنعتی جهان را تولید می‌کند. از نظر تولیدات زراعتی در جهان جای یازدهم و یا دوازدهم را اشغال می‌کند. هشتادوپنج فیصد نسل جوان پولند از ده تا دوازده سال تحصیل می‌نمایند و از نظر تعلیمات عالی از بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری به شمول آلمان، ایتالیا و بریتانیا پیش است.

پولند در مسایل سیاسی اروپا نقش بزرگ بازی می‌کند. ما این روز ملی را به مردم پولند تبریک می‌گوییم و ترقیات مزید آن را خواهانیم.

روز ملی جمهوریت متحد عرب

هفده سال پیش ملت جمهوریت متحده عرب به رهبری جمال عبدالناصر دست به انقلاب زدند. و در خلال این مدت ملت جمهوری متحد عرب توانست سرزمین خود را که از هفتاد سال به این طرف تحت سیطره استعمار برتانیه بود آزاد سازد، دست مرتجعین و سرمایه‌داران دلالی را که خون مردم زحمت کش را می‌مکیدند و سال‌ها در خدمت استعمار بودند کوتاه نمایند.

جمهوری متحده عرب در سیاست خارجی خود پیوسته از صلح، آزادی، بی‌طرفی و عدم انسلاک به پیمان‌های تجاوزکار امپریالیستی، مبارزه علیه استعمار و امپریالیزم طرفداری نموده است.

با آن که جمهوریت متحد عرب در طول مدت هفده سال پیوسته تحت فشار و تهدید و مورد توطیه استعمارگران و مرتجعین داخلی و خارجی بود و دو دفعه مورد تجاوز مستقیم (تجاوز مثلث در سال ۱۹۵۷ و تجاوز ۱۹۶۷) امپریالیزم و صیهونیت واقع شد ولی بازهم بنا بر اصلاحاتی که در ساحات مختلف حیات اجتماعی در آن کشور به عمل آمد مردم جمهوریت متحد عرب به پیشرفت‌ها و ترقیات بزرگی نایل گردیده‌اند.

اصلاحات ارضی به نفع فلاحین (دهقانان بی‌زمین) که قرن‌ها تحت استثمار بی‌رحمانه ملاکان بزرگ قرار داشتند اجرا گردید. کانال سویز ملی شد. تجارت خارجی تحت کنترول دولت درآورده شد، بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ داخلی و خارجی به‌طور عمده ملی گردید. صنایع بزرگ همه در سکتور دولتی متمرکز گردید. با تعمیر سد عالی اسوان به کمک مالی و فنی اتحاد شوروی که از شاهکارهای قرن بیستم شمرده می‌شود ملیون‌ها جریب زمین آبیاری می‌گردد و قدرت تولید برق در آن کشور ۲۰ برابر سال ۱۹۴۸ گردیده است.

جمهوریت متحد عرب در ساحه معارف نیز به پیشرفت‌هایی نایل گردیده است، در سر تا سر جمهوریت متحد عرب هر زور یک باب مکتب افتتاح می‌گردد.

ما درحالی‌که این روز را تبریک می‌گوییم پشتیبانی کامل خود را با مردم جمهوریت متحد عرب در مبارزه‌شان به خاطر امحای کامل بقایای استعمار و از بین بردن آثار تجاوز ۱۹۶۷ اسراییل و امپریالیزم اعلان می‌نماییم.

انجام مسافرت موفقانهٔ انسان به کرهٔ ماه

اپولوی یازدهم که به تاریخ ۲۵ سرطان به‌قصد پیاده کردن انسان در کره ماه از طرف ایالات متحده امریکا به فضا پرتاب گردیده بود، پس از انجام مؤفقانه وظایف خویش در هفته گذشته (پنجشنبه ۲ اسد)، بعد از هشت روزه مسافرت کیهانی به زمین بازگشت.

«پیاده شدن مؤفقانه انسان در سطح کره ماهتاب دارای اهمیت بزرگ تاریخی است و قدم زدن انسان در روی مهتاب به حیث یک واقعهٔ درخشان ثبت وقایع قرن بیستم می‌گردد که قبل از آن مؤفقیت‌های فوق‌العادهٔ دیگری مانند پرتاب اولین قمر ساخت انسان، اولین پرواز کیهانی توسط یوری گاگارین، اولین قدم زدن الکسی لیونوف در فضای خارجی، اولین پرتاب سفینه‌های فضایی اتوماتیک به‌سوی مهتاب زهره و مریخ – به دست آمده بود...

سطح تکامل تکنیکی که در اثر پروازهای کیهانی به دست آمده است، در پیشرفت تمام جوانب تکنولوژی کنونی تأثیرات بزرگ وارد می‌نماید و در آینده ساحهٔ این تأثیرات وسعت بیشتر می‌یابد.

تکامل جامعه و تمام ساحات حیات بین‌المللی با پیروزی‌های علم و تا حدود زیادی به مؤفقیت‌های تحقیقات فضایی پیوند نزدیم دارد. باید امیدوار بود، دلایل زیادی موجود است که چنین پیوندها برای ارتقای سطح حیات خلق کارگر و برای تأمین صلح در کرهٔ ما، مفید است.»

ما پرواز مؤفقیت آمیز و مهم سرنشینان اپولوی یازدهم (نیل آزمسترانگ، میخاییل کولنر و ادوین الدرین) را تقدیر کرده تبریک می‌گوییم.

په پکتیا کی د ژوند څنګه تیریږی

په پکتیا چه د ګران هیواد افغانستان د ملی خپلواکی په انقلابی جګړه کښی لـه نـورو هـیـوادوالـو سـره اوږده جنګیدلی او دخپلواکی په ګټلو او ساتلو کښی پوره برخه لری د هیواد د نورو ډیرو بیرته پاتـه پـه شـان د پوهنی، اقتصاد، صنایعو او د ژوندانه په ټولو نورو برخو کښی ډیر بیرته پاته دی، د پکتیا خلک د حکومتونو د نه پلمرنی یا بدی پلمرنی او استبدادی سیاست له کبله تر اوسه پوری یعنی د شلمی پیړۍ دوهمه نیمایی کښی د قبیلوی نظام په منګولو کښی د بی وزلی، نـاروغـی او بـیـسـوادۍ ژوند تیروی او په سختو کړاونو آخته دیر فبیلوی نظام او اختلافات، قبیلوی جګړی او له هغو نه را پیدا کیدونکی مصیبتونه او آفتونه د پکتیا د خلکو بیرته پاته کیدو او د اوسنی بدمرغه ژوند ستر علت دی. ارتجاعی او استعماری سیاستونه هڅه کوی چه د خپلو کرکجنو مقاصد او ګټو د پاره دغه وضعه په پکتیا کښی لا وساتی.

په پکتیا کښی چه یوه غرنی سیمه ده زراعتی ځمکی لږ دی او نشی کولای چه د پکتیا دخلکو اړتیوی پوره کړی، او د پکتیا فعال او کار ته جمتو نفوس ته کار پیدا کړی د کار نوری زمینی هم نشته. سره له دی چه په پکتیا کښی د صـنـایـعـو انـکـشـاف د پـاره سـتـر امـکـانـات مـوجـود دی خو تر اوسه پوری د صنایعو نوم هم په پکتیا کښی نشته.

د یکتیا ځنګلونـه چـه د دغی سیمی لویه شـتـمـنـی ده لـه اوږدی مودی را پدیخوا په ډیره ابتدایی توګه پری کیږی او د ژوند ډیر ابتدایی شیان په بـرابـریـږی.کـه چـیـری د پـکـتـیـا لـه ځنګلونو څخه استفاده په همدی توګه دوام وکړی لری به نه وی زمونـو د سیمی اوسنی دغه ژوند به لااسی بد شی د قطع شویو ځنګلونو د بیا ژوندی کولو د پاره هیڅ تدبیر او پلان نشته.

د پکتیا په سیمه کښی پوهنه د ژوند د نورو اړخونو په شان ده، تر ډیری مودی پوری په پکتیا کښی ښوونځی نـه وو او اسـتـبـداد بـه ددی وضـعـی ملامـتـی هم د پـکـتـیـا د شرایطو او معارف غوښتونکو خلکو په غاړه اچوله. دا د استعمار منطق هم و چه خلک پوهنه نه غواړی. اوس چه څو محدود ښوونځی پرانیستل شویدی نه معلم لری نه وسایل.

د پکتیا د انکشاف د پاره چه اوس د لویدیځ آلمان په مریته کوم کار کیږی تر زیاتی اندازی نمایشی جنبه لری او تر اوسه پوری یی د ډیرو پیسو د لګښت سره د خلکو په ګټه کوم ستر مثبت کار ندی کړی.

د پکتیا خلکو د اقتصادی ژوند د پیژندلو د پاره همدا کافی ده چه د دغی سیمی نړدی ټول خلک جواری ترخوی او بیا یی خوری چه ژر خلاص نشی. د روغتیا حال په پکتیا کښی د هیواد د نورو سیمو په شان دی. روغتون نشته چیرته روغتون شته هلته کافی دوا او داکتر نشته، له همدی کبله په پکتیا کښی زیته برخه ماشومان د ژوند په لمړیو وختو کښی مری او ځوانی ته نه رسیږی.

په پکتیا کښی د دموکراسی او اساسی قانون په باره کښی خبری کول ددی سیمی خلکو ته عجب شی ښکاریږی.

«از ص اول»

رفیق ارجمند ما میر اکبر خیبر ...

وطن‌پرستانه آزادی‌خواهانه بود و همزمان با نهضت دوره هفت شوری و نهضت اتحادیه محصلین پوهنتون کابل (سال‌های ۲۸ و ۱۳۲۹)، علی‌رغم وضع خاص محیط خویش فعالانه و شجاعانه ... در موضع دفاع از آزادی و دموکراسی و در راه ترقی کشور قرار می‌گرفت و علیه استبداد و ارتجاع و نفوذ استعمار قهرمانانه قرار مبارزه می‌کرد. این شیوه مبارزه بی‌سابقه در آن محیط موجب گردید که در روز توزیع شهادت‌نامه فراغت از حربی پوهنځی م.ا. خیبر به رتبه دوم بریدمن در سال ۱۳۲۹ بدون تحقیقات و محاکمه برای مدت بیش از ۶ سال محبوس گردد.

حین دوره حبس اکثریت اعضأ خانواده م.ا. خیبر به شکل فجیع و ظالمانه‌ای از بین رفت. وی بدن کوچک‌ترین ارتباط با برون از زندان با تحمل بی‌نظیر و استقامت و شجاعت روزهای سیاه و طولانی زندان را، توأم با فشار، کوته قفلی، فقر، محرومیت مادی و معنوی آن، گذشتاند. ولی علی‌رغم این موضوع دشوار و دردآور، ملاک عمل و قضاوت م.ا. خیبر بدون کوچک‌ترین عقده شخصی پیوسته منافع و مصالح خلق کشور بوده و می‌باشد.

در سال سوم حبس م.ا. خیبر با ببرک کارمل در زندان معرفت یافت و پیوند رفاقت مترقی، مسلکی و تاریخی میان آنان ایجاد گردید. م.ا. خیبر پس از آن روش نوین مبارزه طبقاتی را اتخاذ کرد و تاکنون همرزم نزدیک ب. کارمل بوده و می‌باشد.

م.ا. خیبر بعد از ۶ سال و چند ماه حبس بدون محاکمه به تاریخ ۱۳۳۴ از بند رها گردید و علی‌رغم میل وی به شغل آزاد می‌خواست از بست وزارت دفاع ملی منفک و با حفظ رتبه افسری نظامی، به وزارت داخله در چوکات قومندانی ژاندارم و پولیس قرار داده شد.

طی تقریباً ۱۰ سال کار در کدر تدریسی و معلمی زبان انگلیسی و احتیاط در وزارت داخله با وجود استعداد، تقوی، شرافت و اخلاق عالی وطن‌پرستانه خویش صرف تا رتبه تورن (معادل رتبه ۷ ملکی) رسید و هیچوقت کرسی قابل ملاحظه‌ای در دستگاه اداری حکومت نداشت و همیشه تحت تعقیب و محیط تهدید قرار داشت.

م.ا. خیبر چندین بار درخواست استعفا از کار رسمی در دستگاه حکومت را بنمود، ولی از آن جایی که عناصر مستبد حکومتی به شخصیت مؤثر سیاسی و اجتماعی وی پی برده بودند به بهانه‌های مختلف جواب رد به استعفانامه‌های وی می‌دادند. روی این وضع بود که به‌صورت مرموز و ناآگاه بعد از واقعهٔ ۳ عقرب سال ۱۳۴۴ از کابل «جدا» ساخته شد و به پکتیا «اعزام» گردید، و در آنجا رسماً تحت مراقبت قرار گرفته و از تماس گرفتن به کابل جداً ممنوع ساخته شد.

به‌مجرد بسر رسیدن دورهٔ مکلفیت (در حوت ۱۳۴۵) م.ا. خیبر استعفانامه خود را به مقامات مربوط تسلیم و خود از پکتیا وارد کابل شد و به‌صورت علنی شروع به فعالیت سیاسی سازماندهی و ایدیولوژیکی دوشادوش پرچمداران جریان دموکراتیک خلق افغانستان بنمود.

م.ا. خیبر در تمام حیات ۱۳ ساله پس از رهایی از زندان، علی‌رغم موقف حساس وی، قسمت اعظم وقت خود را در ترویج و تبلیغ اندیشه‌های پیشرو عصر ما، مطالعات علمی، نویسندگی و تدریس جوانان مترقی افغانستان سپری کرده و همیشه مشعل اعتماد و اطمینان محیط رفقای پیشرو خود بوده است.

م.ا. خیبر در رشد و تکامل جریان دموکراتیک خلق افغانستان سهم مؤثری و پر ارزش داشت. بدین‌لحاظ پس از استعفی تاکنون به حیث رفیق ارجمند با وجاهت، صدیق، متواضع، دانشمند و وطن‌پرست نزدیک با خلق افغانستان، فشرده با جریان دموکراتیک خلق افغانستان و در هیأت رهبری آن و در موضع دفاع از ایدیولوژی طبقه کارگر و اصول جهان‌بینی و به حیث همرزم نزدیک ب. کارمل دلیرانه به‌پیش می‌رود.

م.ا. خیبر ۴۴ سال دارد، متأهل است و دارای چهار فرزند می‌باشد و به‌استثنای یک کلبه محقر دیگر دارای هیچ‌گونه ملکیت شخصی نیست و تأمین حد اقل زندگی وی و خانواده‌اش به عهدهٔ جریان است.

لمړی مخ پاتی

زمونږ لوړ هدف د خلکو ...

او سل ګونه محرکان راڅرګند شوی دی او د افغانستان د خلکو دموکراتیک جریان د دوی او تکامل په لار کی یی خندونه اچولی، له ښی او (کینی) خوا یی پر موږ باندی حملی کړی او کوی ای.

خو څرنګه چه د افغانستان د خلکو دموکراتیک جریان د علمی جهانبینی د اصولو مزبوت زنځیر تینګ نیولی دی او د مبارزی په هری معینی شیبی کی د پیښو د زنځیر مخصوصی کړی پیدا کوی او تینګوی یی د مبارزی په اوږدو کی دغه ناپاکه عناصر له نهضت نه تجریدوی او په خپله دوی د خپل کرغیړن او تیټ روش له کبله د افغانستان د زیارکښ او شریف اولس له خوا شړل شوی او رسوا شویدی.

پریږده چه ارتجاع او امپریالیستی شبکی خپلی ټولی نا پاکی وسلی په کار واچوی، او د وحشی په څیر په موږ باندی راودانګی او دسیسی جوړی کړی. څکه چه دوی خپل ځان په کی خښوی.

هر څومره چه د دښمن د مبارزی وسایل کرغیړن او ناپاک وی موږ ته ګټور دی. څکه چه زمونږ خلک ژر د حق او باطل د تشخیص کوی، ژر راویښږی ژر تر ژره متشکلیږی او متحدیږی، په دغه صورت کی موږ خپل هدف ته رسیږو. نور نو موږ څه غواړو، زمونږ غوښتنه د افغانستان د رنځ خپلی اولس بری دی که څه هم زمونږ د ځان په قربانی وی.

پرچم

صاحب امتیاز : سلیمان لایق

مدیر مسؤول: میر اکبر خیبر

تیلفون: ۲۳۱۶۴

تایپ متن و ویرایش جدید: عمر فیض

مطبعه دولتی